

جزوه تاریخ تحلیلی

صدر اسلام

دکتر مهدی حاجیان



مبحث اول:

(مفهوم شناسی تاریخ و تاریخ نگاری و عوامل تحریف در تاریخ)

معنای لغوی تاریخ: تعیین وقت و شناساندن وقت، اعلام وقت یا بازشناساندن مبدا کاری

معنای اصطلاحی تاریخ: معلوم کردن احوال انبیا و امام و فرمانروایان و خلفا و حوادث بزرگ مانند جنگ

ها و فتوحات بر حسب زمان

تقسیم بندی تاریخ از نظر مطهری: ۱- تاریخ نقلی ۲- تاریخ علمی

۱- تاریخ نقلی: علم به وقایع و حوادث سپری شده و آگاهی از اوضاع و احوال گذشتگان مثل زندگی نامه ها

و فتح نامه ها

۲- تاریخ علمی: مطالعه و بررسی وقایع گذشته و اثبات قوانین حاکم بر زندگی گذشتگان

تاریخ به صورت جامع:

با در نظر گرفتن ۳ عنصر زمان - مکان و انسان به این صورت است. تاریخ مجموعه ای اطلاعات درباره تاثیر

و تحصر انسان است و به طور طبیعی دیونی چون عدالت و سازندگی و ویرانگری، رفتارهای عادلانه و

ستمگرانه را شامل می شود.

فلسفه تاریخ:

عهده دار بررسی حقیقت و علت وجودی این تحولات کشف سنن حاکم، تعیین منازل برجسته، حرکت

تاریخ، تعیین روش های ارزیابی و پژوهش می شود فلسفه تاریخ

عوامل تحریف تاریخ اسلام:

۱- منع گردآوری و کتابت حدیث: گفته های پیامبر را نمی توانستند ثبت کنند

۲- بعد فاصله زمانی مورخ و پدیده

- ۳- اختلاف میان امت و پیدایش فرقه‌ها: اختلافی که بر سر جانشینی پیامبر بعد از رحلت اتفاق افتاد، باعث میشد که اخباری را ثبت می‌کردند که به نفع خودشان بود.
- ۴- تعصبات قومی و قبیله‌ای: بر روی قبیله خودشان پافشاری می‌کردند
- ۵- فشار فرمانروایان و حاکمان: بعضی از مورخان درباری بودند و جیره خوار به حساب می‌آمدند و باید به ارباب نگاه می‌کردند و آزاد نبودند، همین باعث تحریف می‌شد.
- ۶- سوء استفاده علمای اهل کتاب از بی‌اطلاعی حاکمان و والیان: اطلاعات غلط را اعلام می‌کردند و همین باعث تحریف می‌شد.

مبحث دوم :

(ویژگی‌ها و وضعیت مکانی و جغرافیایی سرزمین حجاز یا شبه جزیره عرستان)

مختصات جغرافیایی:

از شمال به فلسطین و شام

از جنوب به اقیانوس هند

از شرق به حیره، دجله و فرات

از غرب به دریای سرخ

* شبه جزیره عرستان به عنوان بزرگترین شبه جزیره دنیا شناخته می‌شود.

۱- بخش شمالی و غربی: عمده معروفیتی که دارد حجاز نام دارد.

۲- بخش مرکزی: صحرای عرب نام دارد، مانند منطقه نجد- ریاض امروزی

۳- بخش جنوبی: یمن (معروف به عربستان خوش بخت)

* عمده ی شهرهای مهم: مکه (ظهور اسلام در این شهر صورت گرفته است)-یثرب (مدینه)-طائف - یمن

* نژاد عرب: نژاد عرب بنا بر نظر نژاد شناسان، به احتمال قوی نژاد سامی بوده است و احتمالاً نژاد آن (سامی) به سرزمین حجاز بر می گردد.

* نژاد عرب:

۱- عاربه (عرب خالص): قحطانی (خالص) عرب جنوب = به یعرب بن قحطان بر می گردد.

۲- مستعربه: عدنانی (عرب ناخالص) جد بیستم پیامبر و به نوادگان حضرت ابراهیم و فرزندان حضرت اسماعیل بر می گردد.

ویژگی های حسنه و خوب مردمان حجاز:

سخی، مهمان نوازی، امانت داری، پیمان نشکن بودند، صراحت لهجه، حافظه نیرومند، سرآمد بودن در شعر و خطابه، مهارت در اسب دوانی و تیراندازی.

ویژگی های اعتقادی، فرهنگی و رفتاری سرزمین حجاز در عصر جاهلیت:

۱- آئین در حجاز بت پرستی بود و اقلیت‌هایی از یهود در یثرب و مسیحیت در نجران، یمن و یثرب بودند.

۲- دولت ندیده بودند

۳- تحت حکومت قانونی نبودند

۴- وابستگی محض به قبیله داشتند

۵- بی قانون بودند

۶- نظام خانوادگی متزلزل بود.

۷- خشونت گرا و جنگ طلب بودند.

۸- غارتگر و فتاک (خونریز) بودند. (ناغافل می کشتند)

۹- منفعت طلبی شخصی و قبیله ای ملاک همه چیز آن ها بود.

مبحث سوم :

حوادث و اتفاقات مهمی که در دوران زندگانی پیامبر قبل از بعثت رخ داده است و تحلیل آن

تولد و کودکی:

میلاد پر برکت پیامبر که در سال عام الفیل تقریباً سال ۵۷۰-۵۷۱ میلادی. ایشان در زمان به دنیا آمدن از نعمت پدر محروم بودند و تا ۵ سالگی به دایه واگذار شدند و زندگی بدوی گری (بادیه نشینی) (صحرا نشینی) خود را آغاز کردند. در سن ۶ سالگی از نعمت مادر محروم شدند و سرپرستی ایشان به پدربزرگشان عبدالمطلب سپرده شد و دوران کودکی ایشان همراه با رنج و سختی زیادی بوده است.

دوره نوجوانی:

بعد از فوت عبدالمطلب سرپرستی ایشان به ابوطالب واگذار شد و دوران نوجوانی خود را آغاز کردند. اولین سفر تجاری شان را با ابوطالب در سن ۱۳ سالگی شروع کردند. در این سفر در مواجهه با راهب مسیحی، بحیرا به بحث و گفتگ و گو پرداختند و اطرافین او مانند ابوطالب به شخصیت وجودی ایشان و جایگاه پیامبر موعود (وعده داده شد) بیش از پیش پی بردند. در دوره نوجوانی بعضی از اوقات را به شبانی (چوپانی) میگذراندند.

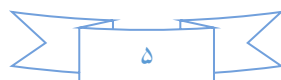
دوره جوانی:

با شروع دوران جوانی در حلفی (پیمانی) به اسم حلف الفضول شرکت کردند که پیمانی بود جوانمردانه برای حمایت از مظلومین و ستم دیدگان.

اتفاق دیگر شرکت در جنگ های فجار بود که در مقابل پیمان شکنان و خون ریزانی که در ماه های حرام (ذی القعدة، ذی الحجه - محرم - رجب) اقدام به جنگ می کردند.

سفر دوم تجاری به شام بود که پیامبر ۲۰ سال داشتند

اتفاق دیگر ازدواج با حضرت خدیجه در ۲۶۵ سالگی بود



اتفاق دیگر نصب حجر الاسود.

در نهایت مبعوث شدن به پیامبری در سال ۴۰ سالگی.

*با تمام این وقایع و اتفاقات رخ داده در زندگی پیامبر قبل از بعثت این گونه می توان تحلیل کرد و عبرت گرفت:

با توجه به دوران سختی و مشکلات پیامبر در دوره نوزادی و کودکی به علت بی سرپرستی و یتیم بودن و نداشتن وضعیت ایده آل نسبت به افراد همانند خود عبرت میگیریم در مواجهه با سختی ها و مصائب دنیایی در امور زندگی خود صبر پیشه کنیم و مشکلات خودمان را بیشتر نکنیم. هر گاه در جامعه ای (زندگی اجتماعی، فردی، سازمانی) قرار گرفتیم باید از کارها و اموراتی که با حق و حقیقت همسو بوده همراهی نموده و همواره با رفتارها و کارهای غلط به صورت اصولی برخورد کرد و با الگوگیری از دوران پیامبر سعی می کنیم، خود را کنترل نموده و از رفتارهای مغرورانه و سرکشانه دوری کنیم و با تلاش و کوشش در این دوره مشکلات فردی، خانوادگی و اجتماعی خود را حل نماییم.

مبحث چهارم

تشریح و تحلیل چرایی انتخاب حضرت محمد بن عبدالله (ص) به امر رسالت و پیامبری با عنایت به رفتار و کردار ایشان در دوره ۴۰ ساله جامعه جاهلیت:

یک جامعه جاهلیت عربی هست و یک فردی هم وجود دارد تحت عنوان محمد ابن عبدالله و منجی می شود و نه تنها جامعیت جاهلیت عرب را نجات می دهد، بلکه تمام جهان را نجات می دهد. بعد وقتی نگاه می کنیم، این سوال پیش می آید که چرا بقیه انسان ها انتخاب نشده اند. پیامبر تفاوتشان این است که ایشان اول خودش را شناخت (خودشناسی) و برای این شناخت از فهم و شعور که در وجود همه قرار داده استفاده کرد و با تعقل و تفکر به خلقتش و درک آن که چرا خلق شده است؛ به خودشناسی رسید؛ از نفس خود رهایی پیدا کرد در نهایت به شناخت خدا می رسد و توانست به درک جامعه و اطراف خود بپردازد.

پیامبر بعد از پی بردن به وضعیت اسف بار جامعه جاهلی و محیط زندگی خود، از آن دوری نگرفت بیغوله نشین نشد بلکه نشست و برخاست کرد و با آداب و رسوم آنجا دست پنجه نرم کرد . به عبارتی پیامبر دور از جامعه نبوده است از جامعه فراری نبوده (هنر آن نیست که دوری کند بعد بگوید من سالم هستم)

نوع رفتار و عمل ایشان در مواجهه با جامعه جاهلی نیز به دو صورت بوده یکی اینکه آن دسته از کارها که با نوع انسان و بشر به عنوان موجود دارای فهم و شعور سنخیت دارد همراهی می نماید مانند حلف الفضول در حمایت از ستمدیدگان و جنگیدن در برابر پیمان شکنان و کار و فعالیت هایی مثل تجارت. از سوی دیگر برخی رفتار جاهلی که به دور از شعور انسانی مثل خونریزی، غارت، زنا، فساد و... بود دوری نمود و همین نوع برخورد ایشان باعث کسب ظرفیت های بزرگی از جمله امین بودن، پاکدامنی، صداقت، درست کاری و... شد.

این نوع رفتار و برخورد ایشان نشان می دهد که محمد بن عبدالله(ص) همرنگی محیط جاهلی خود را نپذیرفته و در عین حضور در جامعه جاهلی و دوری نگرفتن از کل جامعه متفاوت زندگی خود را پیش برده است و در خود تغییر ایجاد نمود و همین باعث شد که ایشان از سمت خداوند متعال برگزیده شود برای تغییر و تحول در جامعه. طبق آیه ۱۱ سوره رعد که می فرماید: ...خداوند سرنوشت هیچ قومی را عوض نمی کند، مگر آنکه آنان خود حالشان را تغییر دهند. حال از این قومی که جاهل هستند یک گل سر سبیدی از آن خارج می شود تحت عنوان محمد ابن عبدالله و (ص) که بعد از تغییر در خود نه تنها جامعه جاهلیت عرب را نجات می دهد بلکه منجی عالم بشریت می شود.

مبحث پنجم :

الگوی شخصیت حضرت خدیجه (س) :

از زندگانی این بانوی یزرگ اسلام این گونه می توان نتیجه گرفت و تحلیل نمود که: خدیجه (س) فرزند خویلد از قبیله بنی اسد بود که یکی از ثروتمندان و متمولین جامعه خود بود. با نگاه به زندگی ایشان می توان دریافت که وی با وجود ثروت و دارایی فراوان، زندگانی متفاوتی با اشراف قریش و زنان دیگر داشت. ایشان با تبعین از شعور انسانی خود ملقب به صفات ارزنده ای چون طاهره شدند. وی با بلند نظری به

جوان پاک و با لیاقت زمان خودش محمد ابن عبدالله (ص) که از مال دنیا بهره ای نداشت علاقه مند شد و بعد از یک سفر تجاری با او ازدواج نمود، به اینکه خواستگاران بزرگی داشتند. ابعاد این ازدواج نشان می دهد که خدیجه (س) هوشمندانه و با دریافت فکری و عقلی و به دور از هرگونه احساسات درونی جنسی، شهوانی و مادی، شریک خود را انتخاب نمود. فلذا طعنه های زنان قریش و اطرافیان بر او اثری نداشت. عشق و علاقه او به زندگی اش نظیر اخلاق نیک و رفتار پسندیده با همسر و فرزندان، در زندگی وی دیده می شود. از توفیقات ایشان تربیت فرزندان عزیزی چون فاطمه زهرا (س) است. با درنگ در چگونگی ایمان آوردن ایشان به پیامبر و اسلام، به وضوح و روشنی می توان دریافت که ایمان وی به دور از تعصب و با آگاهی و تحقیق صورت گرفت و تا پایان عمرش نیز پای اعتقاداتش بود. نقش ایشان در موفقیت های پیامبر در امر رسالت و پیشرفت اسلام مثال زدنی است. چرا که در همه ی حال، حامی پیامبر بوده و با صرف ثروت خود برای مسلمین به ویژه در سخت ترین شرایط تحریم اقتصادی، آن ها را یاری نمود. با توجه به شرح حال ایشان، اینگونه می توان تحلیل کرد که جایگان والای حضرت خدیجه ابتدا به ارزش وجودی و شخصیت ایشان است که نشان از درک و شعور والای ایشان به عنوان یک انسان فهیم است، سپس در ادامه زندگی افتخار همسری پیامبر اسلام باشد. بنابر توضیحات، ایشان الگوی شایسته ای برای زندگی ما است.

مبحث ششم:

مقایسه جایگاه زن در اسلام، نسبت به قبل از آن:

زن در دوره جاهلیت از حقوق و مزایای بسیار کمی برخوردار بود. جامعه عرب برای زن استقلال در زندگی قائل نبود و حرمت و شرافتی برای او جز حرمت و شرافت خانواده نمی شناخت. شرایط و وضعیت زنان در دوران جاهلیت نشان می دهد که اسلام بستری را فراهم کرد تا زن به عنوان یک عنصر بی اختیار به یک عنصر پرارزش و نقش آفرین تبدیل شود. خدای بزرگ، علی رغم ستم پیشگانی که زن را تحقیر کرده اند، استعداد و نبوغ ذاتی او را در جهات و ابعاد متعدد متذکر شد و با کلام محبت آمیز در قرآن کریم مقام و شان انسانی را به تصویر کشید. اسلام به خوبی توانست مقام زن را در حوزه های فردی، اجتماعی، و

خانوادگی بالا ببرد و ملاک برتری زن را از آن جهت اطلاق کرد تا اهمیت و وظیفه خصوصی او را به وی گوشزد کند. حکم حجاب و پوشیدگی را برای حفظ عفت و احترام به زنان، آرامش روانی، استواری جامعه، و استحکام پیوند خانوادگی اجرا کرد. همچنین بیان کرد که زن در تمام احکام عبادی و حقوق اجتماعی با مرد مشترک است و فقط ملاک برتری و متمایز کننده افراد تقواست. زن و شوهر نسبت به هم حقوق متفاوتی دارند که با عایت آن ها زندگی شیرین و با صفا می شود و تناسب بیشتری میان زن و مرد برای زندگی مشترک بوجود می آید. زن به برکت این نعمت الهی(اسلام) دارای استقلال و اراده است و زن در هر امری که مرد استقلال دارد او نیز می تواند مستقل باشد. مانند کسب، معامله، تعلیم و تعلم و فقط پست- های حکومت و قضاوت را نمی تواند بر عهده بگیرد زیرا با روحیهی غالب زنان سازگار نیست و زنان نوعاً عاطفی تر ، احساساتی تر و لطیف تر از مردان هستند. در واقع اسلام زمینه هایی را برای شکوفایی و استعداد زنان در عرصه های گوناگون فراهم کرد و با تمام افکار و خرافات موهوم و تعصبات قوم و قبيله های عصر جاهلیت به شدت مبارزه کرد و به هر موقعیتی نسبت به زنان نظر مثبت نشان داد.

مبحث هفتم:

عمده وقایع و حوادث ۱۳ ساله دوره بعثت پیامبر و تحلیل آن:

از مدت ۲۳ سال پیامبری حضرت محمد (ص)، ۱۳ سال مربوط به بعثت و در مکه بوده است. این دوره به دوره ی وحدت و اعتقاد سازی معروف است که در آن اعتقادات مسلمانان شکل گرفت و آن ها با اعمال عبادی دین اسلام آشنا شدند. ۳ سال از دوره بعثت پیامبر به صورت مخفیانه به تبلیغ اسلام پرداخت، در واقع این چند سال دوره ی خودسازی بود و پیامبر با تبلیغ در بین اهل و عیال خود و دوستان و رفیقانی که آمادگی پذیرش داشتند یارانی را جذب کرد که حدود ۴۰ نفر بودند و از اعتقادات راسخی برخوردار شده بودند. کم کم تبلیغ علنی و آشکار پیامبر آغاز شد. با دقت از قبيله و عشره خود در ۲ نوبت، قوم خود را به اسلام دعوت نمود و دعوت خود را آشکار کرد. از این لحظه به بعد، دعوت به صورت عمومی صورت می گرفت و مردم با شنیدن تعالیم والای اسلام جذب شده و ایمان می آوردند. عمده افراد ایمان آورده از طیف جوانان

و قشر ستم دیده جامعه بودند. بزرگان قریش و مشرکان با برنامه های مختلف شروع به مقابله با حرکات دینی پیامبر نمودند. آن ها برای این کار از روش های مختلفی نظیر مسخره کردن، استهزاء نمودن، شکنجه و آزار دادن، توهین کردن، تهمت زدن، آواره کردن، تطمیع نمودن و تحریم و تهدید جانی استفاده می کردند. در این بین پیامبر با دعوت کردن مسلمانان به صبر و تقوا و استقامت در برابر مشکلات از این سختی ها عبور کرد. عده را روانه ی حبشه کرد و عده ای را هم به یثرت خجرت داد تا اینکه خداوند راه را برای مسلمانان هموار نمود و با تشکیل حکومت دینی در مدینه از وضعیت بهتری برخوردار شدند و این ناشی از برنامه ریزی پیامبر و دوراندیشی ایشان بود که در ۲ پیمان: عقبه ی اول (بیت النساء) = اخلاقی و پیمان عقبه دوم (بیت الحرب) انجام شد.

تحلیل:

برگرفته از این حوادث می توان اینگونه تحلیل کرد که انسان ها با صداقت و درستی و اخلاق نیکو در جامعه خود، زبانزد شده و مورد اقبال جامعه قرار میگیرند و کم کم فرد برای پذیرش مسئولیت های بزرگ مورد تایید قرار گرفته انتخاب می شود. پذیرش مسئولین و نشانه گرفتن اهداف بلند، نقطه آغاز کار است. کما اینکه پیامبر با زندگی صاف و صادقانه خود مورد اقبال جامعه و خداوند متعال بود و به پیامبری مبعوث شد. با انتخاب هدف، کار شروع می شود و در حین انجام کار، ناملایمت ها و سختی است که آزاردهنده می باشند و لازم است برای گذر کردن از این مشکلات صبر و حوصله نموده و استقامت داشت، کما اینکه پیامبر با این رویه مسلمانان را از شکل دوره بعثت عبور داد و در نتیجه ایستادگی و استقامت و تقوا، امداد الهی نصیب شده و چاره کار مشخص می شود، کما اینکه هجرت به مدینه و شکل گیری پایگاه دینی بر همین اساس بود.

مبحث هشتم :

عمده وقایع و حوادث دوره هجرت پیامبر به مدینه و تحلیل آن:

با تشدید کینه ورزی ها و دشمنی های مشرکان دعوت شده متوقف شده بود. ایمان آورندگان تحت فشار و ظلم بودند و باید چاره ای اندیشیده میشد. بنابراین پیامبر با برنامه ریزی های قبلی و بستن پیمان های عقبه ی اول و دوم، مقدمات هجرت مسلمانان را برای رهایی از ستم های قریش به یثرب که در چهارصد کیلومتری مکه قرار داشت را فراهم نمود. از اخلاق پیامبر این بود که ایستاد تا همه بروند، بعد خودش رفت. همه رفتند مگر محبوسین، ضعفا و زنان (زینب دختر پیامبر، همسر ربیع بن و عاص). پیامبر با استقرار در فقیرترین نقطه ی شهر وامدار کسی نشد. مهاجرین کار و زندگی، اسباب و املاک خود را رها کردند و رتند و اموالشان غارت شد و در یثرب بی سر پناه بودند. پیامبر با ۴ گروه مواجه بود. ۱- مهاجرین (مسلمانان مهاجر مکه) ۲- انصار (مسلمانان مدینه) ۳- منافقین ۴- یهودیان (بنی قریظ + بنی نظیر + بنی قریظیه)

در این دوره ۱۰ ساله، پیامبر ۸۲ غزوه و سدید را پشت میگذارند. از این تعداد ۲۷ غزوه بود که پیامبر خودشان حضور داشتند و ۵۵ نبرد دیگر که برای سرکوبی شورشیان و توطئه گران مدینه انجام شد، سدید نام گرفت. مانند غزوه خندق، احد، خیبر و... و سدید هایی مثل: بئر رجب، بئر معدنه و... با نگاهی به روزشمار تاریخ ۱۰ ساله هجرت اینگونه می توان گفت دوره ی مدینه و دوره ی قانون و حکومت سازی بود، تاسیس ملت صورت گرفت پیامبر ابتدا پیمان نامه عمومی مدینه را تنظیم کرد که در آن: ۱- روابط بین اوس و خزرج و مسئولیتشان در برابر مهاجرین ۲- قرارداد عدم تعرض بین مسلمانان و یهود ۳- بخش عمومی که جهانی بوده و حافظ وحدت در کلیه زمان هاست. با این کار پیامبر شخصا مسئول رسیدگی به امورات جامعه پرداخت و با رفتار و عملکرد خود مبانی اعتقادی و فکری ذکر شده در دوره بعثت را پیاده سازی نمود. با رهبری مدبرانه ی پیامبر و همراهی مسلمانان، حکومت اسلامی روز به روز قدرتمند تر شد و منجر به تشکیل مدینه فاضله گردید.

مبحث نهم :

غدیر خم و سقیفه بنی ساعده و شباهت ها و تفاوت ها آن:

در تاریخ صدر اسلام دو حادثه مهم رخ داده است که در وقایع پس از خود، به ویژه دسته بندی درونی نظام اسلامی تأثیر به سزایی داشته و هر دو مورد در ماه های پایانی عمر پیامبر اسلام(صلی الله علیه وآله) واقع شده است. این دو حادثه عبارت اند از:

۱ واقعه غدیرخم در هیجدهم ذیحجه سال دهم هجرت،

۲ ماجرای سقیفه بنی ساعده در اوایل سال یازدهم هجرت.

واقعه غدیر خم

رسول خدا(صلی الله علیه وآله) در دهمین سال هجرت، زیارت خانه خدا (کعبه) را با اجتماع مسلمانان آهنگ فرمود، گروه بی شماری با آن حضرت حرکت نمودند که تعداد آن ها ۱۲۴۱۲۰ نفر و بیشتر ثبت شده است. پس از آن که رسول خدا(صلی الله علیه وآله) مناسک حج را انجام داد، در بازگشت به مدینه، چون به غدیرخم (که در نزدیک جحفه که منزل گاهی است که راه های متعدد (راه اهل مدینه و مصر و عراق) از آن جا منشعب و جدا می شد) رسیدند، جبرئیل امین فرود آمد و از جانب خدای تعالی این آیه را آورد: «یا ایها الرسول بلغ ما أنزل إلیک من ربک و إن لم تفعل فما بلغت رسالته والله یعصمک من الناس».

با نزول این آیه به امر پیامبر همگی در غدیرخم در جمع شدند. پیامبر پس از فراغت از نماز بر محل مرتفعی قرار گرفت و آغاز خطبه فرمود و با صدای بلند همگان را متوجه ساخت. آن حضرت در خطبه خود پس از حمد و ستایش خدا و گواهی به رسالت خود، از پایان عمر خویش و از این که آنان در کنار حوض در آن سرا بر او وارد خواهند شد، به آنان خبر داد و از آنان خواست که مواظب دو چیز گران بها که در میان آن ها می گذارد باشند؛ یعنی کتاب خدا، ثقل اکبر و عترت (اهل بیت) خود، ثقل اصغر، که با تمسک به آن دو، گمراه نخواهند شد و آن دو نیز از هم جدا نمی گردند تا کنار حوض بر او وارد شوند. سپس دست علی(علیه

السلام) را گرفت و او را بلند نمود تا این که مردم او را دیدند و شناختند. و فرمود: «ای مردم! کیست که بر اهل ایمان از خود آن ها سزاوارتر می باشد؟» گفتند: خدای و رسولش داناترند. فرمود: «همانا خدای مولای من است و من مولای مؤمنان هستم و اولی و سزاوارترم بر آن ها از خودشان پس هر کس که من مولای اویم علی(علیه السلام) مولای او خواهد بود.» و این سخن را سه بار و بنا به گفته احمد بن حنبل پیشوای حنبلی ها چهار بار تکرار فرمود. سپس دست به دعا گشود و گفت: «بار خدایا! دوست بدار آن که او را دوست دارد و دشمن دار آن که او را دشمن دارد و یاری فرما یاران او را و خوار گردان خوار کنندگان او را، و او را معیار و میزان و محور حق و راستی قرار ده». آن گاه فرمود: باید آنان که حاضرند این امر را به غایبان برسانند و ابلاغ نمایند. «هنوز جمعیت پراکنده نشده بود که امین وحی الهی رسید و این آیه را آورد: «الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دیناً». ۸. در این موقع، پیامبر(صلی الله علیه وآله) فرمود: «الله اکبر، بر اکمال دین و اتمام نعمت و خشنودی خدا به رسالت من و ولایت علی(علیه السلام) بعد از من». سپس آن گروه تهنیت به امیرالمؤمنین را آغاز کردند و از جمله آنان، ابوبکر و عمر بودند که پیش دیگران گفتند: به به بر تو ای پسر ابی طالب که صبح و شام را درک نمودی در حالی که مولای من و مولای هر مرد و زن مؤمن شدی. و ابن عباس گفت: به خدا سوگند که این امر (ولایت علی (علیه السلام)) بر همه واجب شد.

ماجرای سقیفه

با انتشار خبر رحلت پیامبر(صلی الله علیه وآله)، در حالی که مدینه در ماتم و سوگ فرو رفته و علی(علیه السلام)، عباس بن عبدالمطلب عموی پیامبر و برخی اصحاب در تدارک غسل و تدفین پیامبر خویش بودند، جمعی از انصار در سقیفه بنی ساعده، جمع شده و بر آن بودند تا سعد بن عباده، شیخی از بزرگان خزرج را به جانشینی رسول خدا نصب کنند. ابوبکر، عمر و ابوعبیده جراح با شنیدن این خبر، بی درنگ و شتابان روانه سقیفه شدند، اما علی و عباس نیز که خبر را شنیده بودند، هم چنان به تدارک تدفین جنازه رسول خدا ادامه دادند. در اجتماع سقیفه، ابتدا سعد بن عباده درباره جانشینی رسول خدا سخنانی گفت. پس از خاتمه سخنان او، خزیمه بن ثابت در تأیید سعد و امتیاز انصار بر مهاجران در امر خلافت سخن گفت. به

دنبال او، اُسید بن حُضیر که او نیز از طایفه خزرج و از رقبای سعد بن عباده بود، به گو برخاست و از اختصاص پیشوایی مسلمانان به مهاجران و ابوبکر دفاع کرد. مدافعان و حامیان دیگر سعد، در قالب سخنانی به انکار ادعای اُسید پرداختند و کسانی نیز در تأیید او سخن گفتند. در این حال، ابوبکر به پا خاست و با تأیید فضایل و عزت انصار، مدعی شد که پیامبر با بیان روایت: «الائمهُ من قُریش» پیشوایی قوم را به مهاجران اختصاص داده است. به هر حال، در این گفت و گوها چندین نظریه درباره جانشینی پیامبر مطرح شد: ابتدا امارت انصار، سپس با حضور مهاجران، امارت دوگانه (یکی از انصار و دیگری از مهاجران)، آن گاه امارت مهاجران و وزارت انصار، و سرانجام امارت قریش. همین مورد اخیر تحت تأثیر روایتی که ابوبکر از قول پیامبر نقل کرد و به دلیل اختلاف درونی دو طایفه اوس و خزرج به نتیجه نشست. با بالا گرفتن گفت و گوها در حالی که خزرجیان به دو دسته مدافعان و مخالفان سعد بن عباده تقسیم شده بودند، ابوبکر، ابوعبیده یا عمر را شایسته خلافت شمرد و آنان نیز وی را شایسته دانسته و بی درنگ دستان او را برای بیعت فشردند. در این حال، اسید بن حضیر و خزرجی های مطیع او، سراغ ابوبکر آمده و با او بیعت کردند. این بیعت را که با حضور چند تن از صحابه و در غیبت غالب اصحاب برجسته دیگر رسول خدا(صلی الله علیه وآله) انجام شد، «بیعت سقیفه» نام داده اند.

غدیر خم و سقیفه بنی ساعده ، شباهت ها و تفاوت هایی دارند که به آن ها اشاره می کنیم:

غدیر در ماه ذیحجه الحرام (ماه حرام) ایام صلح و صفا، ماه ازدحام و فراخوانی عمومی مسلمانان، در پایان یک سفر معنوی در بازگشت از بیت الله الحرام و حرم امن الهی و پس از لبیکی همگانی به الله تعالی، در گستره صحرائی باز که رنگ تعلق گروهی خاص را نداشت، و توسط حضرت محمد(صلی الله علیه وآله) که رسول خدا بود و به قوم و قبیله ای خاص تعلق نداشت، بلکه پیامبر رحمت برای جهانیان (و ما ارسلناک الاّ رحمةً للعالمین) و اسوه حسنه ای برای انسان ها بود، در پی آیه ابلاغ از جانب خدای متعال و با گزینش برترین فرد (در ایمان و عمل = تقوا، جهاد، خدمت به اسلام، علوم و معارف دینی و دیگر فضایل)، و در شادباش های مردم به او «بخ بخ اصبحت مولای کل مؤمن و مؤمنه» صورت گرفت، اما و سقیفه، بدون فراخوانی عمومی، خالی از قصد ابلاغ رسالت الهی، در فضای محدود سایبان (سقیفه) قبیله ای، در پی بروز

دوباره عصبیت های جاهلی برای فراچنگ آوردن منصبی پیش از دست یابی دیگران بدان، و با به رخ کشیدن تفاخرات قومی و چانه زنی های سیاسی در پرتو سنت شیخوخیت، در اندوهناک ترین زمان تاریخ اسلام، و با نادیده انگاری وصایای پیامبر(صلی الله علیه وآله)(در غدیر، در کتابت حدیث، در اعزام جیش اسامه و...) به انجام رسید.

مبحث دهم :

چه علت و عواملی در یک محدوده از تاریخ باعث بوجود آمدن فاجعه عاشورا شده است؟

آنچه مسلم است ایت حادثه بزرگ از عوامل خاصی نشأت گرفته است که یادگیری و معرفت به آن عوامل را در عدم تکرار واقعه عاشورا کمک شایانی خواهد نمود.

۱- کنار گذاشتن وصایای نبوی در کمترین زمان ممکن:

آنچه تاریخ به آن گواهی می دهد این که کمتر از چند ماه از رحمت دردناک پیامبر اکرم (ص) اساسی ترین وصیت رسول اکرام (ص) که ضامن سعادت و خوشبختی بشر بود به فراموشی سپرده شد. و مردم به آن سفارش ارزشمند بی تفاوت و بی اهمیت شدند. از جمله وصایای گوهر باری که خداوند متعال بر آن سفارش نموده بود، موضوع جانشینی پیامبر اکرم (ص) بود که بارها بر آن تاکید نموده است، اسلامی را از آن آگاه نموده بود در حالی که بارها پیامبر اکرم (ص) سفارش بر دو چیز مهم و گرانبها نموده بودند، در طول تاریخ اسلام شاهد بی مهری فراوان به این دو مقوله بودیم که بیشترین این جوانمردی ها در صحنه عاشرو بروز و ظهور می نماید.

۲- افول معنویت و گرایش تجمل گرایی و اشراف گری:

از جمله عوامل مهم و زمینه ساز شکل گیری حادثه عاشورا کم رنگ شدن معنویت و گرایش به دنیا پرستی و تجلیل گرایی است. چرا که در واقعه عاشوره شاهد هستیم، بسیاری از افراد برای نیل به این اهداف به ستیز و قتل با ولی خدا پرداختند، به امید رسیدن به رعیت وی. دستیابی به دارای های از پیش وعده داده

شده و امید به رسیدن زندگی تجملاتی مسائلی که بسیاری از افراد را کور و کر نموده بود به طوری که بخاطر این مظاهر دنیایی در برابر ولی خود ایستادند.

۳- افول غیرت دینی:

سومین عامل زمینه ساز عاشورا، افول غیرت دینی بود. غیرت دینی یعنی اجازه تجاوز به حریم دین، به هیچکس ندادن. خشم مقدس در برابر متجاوزان به حریم دین، تلاش گسترده در راه نشر دین، امر به معروف و نهی از منکر و داشتن تولی و تبری، داشتن روحیه دفاع از دین و آماده فدا کردن همه هستی در راه آن. این در حالی است که در زمان امام حسین (ع) طبق نقل از ایشان چیزی از دین باقی نمانده بود و بدعت ها رواج یافته بود و سنت های رسول اکرم (ص) پایمال شده بود.

این مطلب گواه فقدان غیرت دینی در جامعه اسلامی سال ۶۱ هجری است.

نتیجه گیری و تحلیل:

فلسفه اصلی و نهایی امام حسین (ع) را می توان در یک هدف جامعه و کلی یعنی احیای فرهنگ اسلام اسپیل و ناب حضرت محمد (ص) و زدودن زنگارهای تحریف و بدعت از دین جدشان خلاصه کرد.

این گونه تحلیل کرد که فقدان غیرت دینی و عدم توجه و اهمیت به ارزشهای بنیادین اسلامی در هر دوره از زمان، می تواند حکومت های اسلامی را در معرض شهید و نابودی قرار دهد.

با نگاه به حادثه دلخراش کربلا به این مطلب رهنمود می شویم، برای جلوگیری از تکرار این چنین وقایع تلخی، می بایست پایه های اصول ارزشی جامعه اسلامی را تقویت نمود و با تقویت فرهنگ عمومی جامعه، گرایش به معنویت های اصیل اسلامی را در بطن جامعه رونق بخشید.